



رمضان از دیدگاه آیت الله جوادی آملی / انسان در ماه مبارک رمضان دعوت شد که فرشته بشود

یکی از بهترین نعمت‌ها، نعمت آزادی است و ماه مبارک رمضان، ماه آزادی است.

یکی از بهترین نعمت‌ها، نعمت آزادی است و ماه مبارک رمضان، ماه آزادی است. آنچه در ادامه می‌آید دیدگاه‌ها و بیانات آیت الله جوادی آملی در خصوص ماه مبارک رمضان و شبهای قدر است.

- رسول خدا (ص) در آخرین جمعه ماه شعبان خطبه‌ای ایراد فرمودند که: «یا ایها الناس إن انفسکم مرهونة بأعمالکم ففکوها باستغفارکم» - مردم! شما آزاد نیستید؛ در قفس هستید. و نمی‌دانید که در قفس هستید. گناهانتان شما را در قفس زندانی کرده است. در ماه مبارک رمضان، با استغفار، خود را آزاد کنید.

- انسان گناهکار بدهکار است و بدهکار باید گرو بسپرد. اینجا خانه و زمین را به عنوان گرو قبول نمی‌کنند؛ بلکه جان را به گرو می‌گیرند. آن که می‌گوید من هر چه بخواهم می‌کنم، هر جا بخواهم می‌روم و هر چه بخواهم می‌گویم، او اسیر است؛ آزاد نیست. گرفتار هوس و آرزو، برده است نه آزاد.

- هیچ ارزشی در اسلام به اندازه ارزش آزادی نیست. علی علیه السلام می‌فرماید: «من ترک الشهوات کان حراً» - آزاد کسی است که شهوت‌هایش را ترک کند.

- معصومین علیهم السلام در بسیار از کلمات به ما آموختند که آزاد بشوید. آزاد شدن از دشمن بیرونی چندان مهم نیست، آزاد شدن از دشمن درونی مهم است.

- راه تشخیص بنده مؤمن یا آزاد بودن این است که اگر به دلخواه خود عمل می‌کنیم، معلوم می‌شود در قفس آز و طمع زندانی هستیم؛ و اگر به خواسته خدای سبحان عمل کنیم، آزاد هستیم. انسان آزاد به غیر خدا نمی‌اندیشد.

- از برجسته‌ترین وظایف در ماه مبارک رمضان آزاد شدن و رهیدن است. انسان باید این قفس‌ها و میله‌های پولادین را که با دست خود ساخته بشکند.

- انسان به طرزی زندگی کند که گرفتار چشم و گوش نباشد، این بهترین راه است که فک رهن شده باشد، امام علی (ع) می‌فرماید: «فکفوها باستغفارکم» و توبه هم به این است که بگویید خدایا من آمدم.

- پیامبر اکرم (ص) فرمود: «قد أقبل إليك شهر الله» ماه مبارک رمضان دارد می‌آید او به شما رو کرده است این برای شما اقبال است. این ماه، ماه خداست. درست است که همه ماه‌ها ماه خداست؛ همه زمین‌ها زمین خداست اما می‌گویند سرزمین مکه سرزمین وحی است و حاجیان و معتمران وقتی وارد می‌شوند مهمانان الهی‌اند اینها جزء ضیوف الرحمان‌اند این مربوط به زمین مهمانی است و ماه مبارک رمضان هم زمان مهمانی است و شما نیز مهمان خدای سبحان هستید «دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ».

- شما شنیده‌اید که گاهی نسیم می‌وزد و همان طوری که شب و روز یکسان نیست، سحر نسیم خاصی دارد روزگار هم اینچنین است.

- اگر انشاء الله توفیقی داده شد به استقبال این ماه مبارک رمضان برویم، سحرهای آن را دریابیم، روزه‌های روزه‌های آن را دریابیم. حالا آن بحث‌های کمک به نیازمندان، از لغزش‌های دیگران گذشتن، صله رَحِم داشتن، فضیلت افطار دادن، گرسنه‌ها را سیر کردن و یا حقوق دیگران را به آنها تأدیه کردن، مطلبی دیگر است؛ لذا فرمود خدای سبحان اسمای حسناى خود را روزی می‌کند چیزی را که خدا عطا می‌کند چیزی است که ماندنی باشد.

- در فضیلت روزه همین بس که انسان شبیه فرشته می‌شود و فرشته کارش خوردن و نوشیدن و پاسخ به غرایز و امثال اینها نیست؛ لذا انسان در ماه مبارک رمضان دعوت شد که فرشته بشود و فرشته شدن ممکن است یعنی خوردن و خوابیدن، مزاحم نیست که انسان فرشته بشود خب ما چرا فرشته نشویم؟! نوجوان‌های ما و جوان‌های ما از ماه رمضان بیشترین بهره را ببرند.

- ماه مبارک رمضان دو دستور دارد:

- 1- عمومی: که انسان تمام ماه مبارک رمضان را به عنوان یک واحد بداند و برای آن نیت کند؛ یعنی در شب اول ماه مبارک رمضان می‌توان قصد کند که تا آخر ماه روزه بگیرد.
- 2- خصوصی: که هر روز هم دارای تکلیف مستقل و جدایی است. «وَأَيَّامَهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ وَلِيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي» تمام روزه‌های ماه مبارک رمضان از تمام ایام سال افضل است و تمام شبهای ماه مبارک رمضان، از تمام شبها و لیالی سال برتر است. «وَسَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ» ساعات یعنی چند لحظه؛ لحظات آن بهترین لحظه هاست.

- پیرامون شب قدر و سِرِّ تبرُّع و برجستگی آن و راز تعدّد و کثرت، و رمز تنوع و تحوّل آن و نکته خفا و ابهام، و معنای قدر و ارزش آن و تأثیر ادراک شب قدر، و نیز برخی دیگر از شئون آن به طور اجمال نکاتی بازگو می‌شود.

یکم: گرچه هر موجود طبیعی در مخزن غیب الهی دارای وجود عقلی است که از آن نشئه تجرّد معقول به مرحله تجسّم محسوس تنزل می‌یابد: «إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ وَ شَبَّ قَدَرٍ نِيزَ از این اصل کلی مستثنی نیست،

لذا می تواند دارای ارزش نقسی باشد، لیکن ارج ظاهری آن به حُرمت مُتَزَمِّن آن است که در این زمان خاص نزول یافت و آن قرآن کریم است، همان طور که ارزش مکان به متمکن آن است؛ لذا خداوند سرّ سوگند به بَلَد مکه را، تمکن و استقرار رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که در آن متمکن بود اعلام داشته و چنین فرموده است: لا تُقسم بهذا البلد* وأنت حلّ بهذا البلد بنابراین، یکی از اسرار براءت و برجستگی لیلہ قدر نزول قرآن ذوالقدر در آن خواهد بود.

دوم: چون راز براءت زمان همانا حُرمت مُتَزَمِّن است و تقدیر بر امور از طرف خداوند سبحان دارای حرمت ویژه است و تقدیر امور نیز دارای مراتب گوناگون است و هر مرحله‌ای از آن در زمان خاص ظهور می کند لذا تمام آن زمانهای مخصوص از برجستگی والا برخوردار می شوند و به عنوان نمونه می توان، نیمه ماه شعبان و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ماه مبارک رمضان و نیز برخی دیگر از شبهای وثر آن را یاد نمود که امور گیتی در این مراحل، جریان تنسیق خود را بازمی یابند. البته آن حرمت خاصی که برای شب قدر به پاس نزول قرآن است فقط در شبهای ماه مبارک رمضان خواهد بود.

سوم: برای اینکه تمام روزها و شبهای سال، فیض ظرفیت چنین رخداد مبارک را ادراک کنند لذا تقدیر امور و نیز تنزل معانی قرآن و مفاهیم عالی آن برابر ماههای قمری توزیع شده است تا با تنوع و تحوّل همراه باشد و تمام شبهای سال از جهت گردش جام تقدیر و کأس تنزیل و مئاوَله آن بهره مند گردند و فیض سیال الهی را کد نگردد، و اگر برابر سال شمسی تنظیم می شد، چنین اداره کاسی و چنان مئاوَله‌ای در کار نبود.

چهارم: به منظور فحص بالغ و مراقبت مستمرّ و اجتهاد مداوم در سنگر جهاد اکبر، لیلہ قدر مختفی و روز قدر مخفی شد؛ زیرا ماءالحیة در هر کوی و برزنی ارزان عرضه نمی شود و تاریکی ظلمات از یک سو و جستجوی همراهی چون خضر(ع) از سوی دیگر و تحمل خطرهای گوناگون از سوی سوم مقداری از بهای چنین کالای سترگ است که تا تأدیه نشود دامن آن به کف نمی آید.

پنجم: معنای قدر و منزلت شب قدر که بیش از ارج هزار ماه است هرگز به معنای ارزش اعتباری در برخی از دانشهای باید و نباید اعتباری، نخواهد بود، بلکه به معنای ارج وجودی و شدّت درجه هستی است که ارزش دانشهای بود و نبود است نه باید و نباید. البته چنان ارج وجودی که در حکمت نظری مطرح است پشتوانه تدوین قوانین ارزشی باید و نباید فقهی خواهد بود لذا امتثال دستورهای دینی وسیله مناسبی برای تکامل وجودی روح است.

ششم: چون ارزش زمان به مُتَزَمِّن است هر اندازه سالکِ واصل، شاهد معنای تقدیر الهی از یک سو و شاهد معارف قرآن کریم از سوی دیگر باشد به همان اندازه شرافت وجودی لیلہ قدر را تحصیل می کند، یعنی همان طور که درجات بهشت جاودان به عدد آیات قرآن کریم است، مراحل لیلہ قدر و درجات وجودی آن نیز در گرو ادراک صحیح حقیقت تقدیر امور الهی از یک سو و معرفت درست معالی و معانی قرآن کریم از سوی دیگر خواهد بود؛ حتی اگر شب قدر مصون از تعدّد عَرَضی و کثرت همتایی باشد؛ زیرا تعدّد مراتب طولی آن محفوظ است.

هفتم: محصول معرفت صحیح مُتَزَمِّن و حاصل ادراک درست زمان سبب شدّت وجودی سالک عارف می گردد که با آن، طی زمان و زمین میسورش خواهد شد، نمونه‌های فراوانی در قرآن و سِتّ معصومین(ع) و در تاریخ پیروان راستین قرآن و عترت مشهود است که جریان صحابی حضرت سلیمان در آوردن تخت ملکه سبأ از فاصله دور در کمتر از چشم گرداندن قال الذی عنده علم من الكتاب انا اتیک به قبل ان یرتدّ الیک طرفک از این قبیل است.

لازم است توجه شود آنچه به عنوان نمونه یاد شد راجع به شدّت درجه وجودی شاگردان انبیا و امامان معصوم(ع) بوده و گرنه مقام وجودی آن ذوات نوری به مراتب بیش از اینهاست.

شب، بُراق عروج سالکان است

-بخش مهمّی از فیوضات معنوی و الهی، طبق بیان قرآن کریم، در شب افاضه شده است. تنزّل قرآن در شب پربرکت و مبارک قدر است اِنّا أنزلناه فی لیلة القدر

إسراء و معراج انسان کامل نیز در شب است: سبحان الذی أُسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى الذی بارکنا حوله

-اگرچه انسان در روز، هم در محضر خداست ولی فیض شب، بهره خاصی است که نصیب انسان می شود. حضور و توجّه و تمرکز انسان در شب زیاد است و همین سبب قوّت و ازدیاد فیض می شود.

-نشئه زنده داری شب و مناجات و دعا و خضوع شب، نشئه خاصی است که باخضوع و مناجات و ذکر روز فرق دارد اِن ناشئه اللیل هی اشدّ وطأً وأقوم قیلاً وبه همین جهت است که خداوند به رسول خود فرمود: ومن اللیل فتهجد به نافلة لک عسی أن یرتک ربک مقاماً محموداً سحر خیز باش و شب رازدست مده؛ زیرا که نافله شب، خضوع و حضور شب، بعثت تازه‌ای است برای تو و اگر می خواهی که به مقامی والا و محمود مبعوث شوی، شب را رها نکن.

-تلاوت قرآن و خضوع در حضور خداوند، و محاسبه اعمال گذشته و تصمیم قطعی برای آینده، در دل شب تار میسرتر است و لذا مردان الهی حدّا کثر بهره را از شب می برند، «عُمّار اللیل ومَنّار التّهار»، «اما اللیل فصافون أقدامهم، تالین لأجزاء القرآن»، «طوبی لنفس... وهجرت فی اللیل غمضها»، «اِن داود(علیه السلام) قام فی مثل هذه الساعة من اللیل...».